

جغرافیای ایران باستان

از دیدگاه بطلمیوس و موسی خورنی

(بر پایه کتاب *ایران‌شهر اثر یوزف مارکوارت*)



محمدعلی عزت‌زاده

دانشجوی کارشناسی ارشد ایران‌شناسی
دانشگاه تهران

درآمد

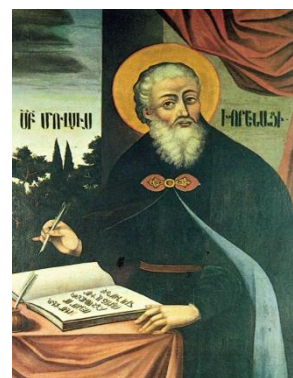
یوزف مارکوارت^۱ (۱۸۶۴-۱۹۳۰م) زبان‌شناس، تاریخ‌پژوه، جغرافیدان، شرق‌شناس و ایران‌شناس نامدار آلمانی، با تسلط بی‌نظیرش بر زبانهای ایرانی، ارمنی، یونانی، سریانی و چینی، و اطلاعات بالایی که از تاریخ و جغرافیای ایران داشت؛ کتاب *ارزشمند/ایران‌شهر*^۲ را در دو بخش و به ترتیب بر پایه *جغرافیای موسی خورنی*^۳ و *جغرافیای بطلمیوس*^۴ و تفسیر این متون کهن جغرافیایی به رشته تحریر درآورد. کتاب *ایران‌شهر* در اواخر سال ۱۸۹۸م به پایان نگارش و در سال ۱۹۰۱م به چاپ رسید. در این جستار، می‌کوشم به کمک این کتاب بی‌مانند، مطالعه‌ای در جغرافیای ایران باستان از دیدگاه دو مورخ/ جغرافیدان یادشده به انجام رسانم. علی‌رغم تقدم تاریخی بطلمیوس بر خورنی، مطابق ترتیب نگارش مارکوارت در کتاب *ایران‌شهر*؛ نخست دیدگاه خورنی و سپس نگاه بطلمیوس به جغرافیای ایران را بررسی خواهیم نمود.



بخش نخست

جغرافیای ایران از نگاه موسی خورنی

موسی خورنی (موسی خورنتسی) (۴۰۵ تا ۴۸۸م)^۵ مورخ، جغرافیدان، فیلسوف، الهی‌دان، شاعر و مترجم ارمنی به‌دلیل پیشینه تعلق و تاریخ مشترک ارمنستان به شاهنشاهی ایران، توجه و علاقه ویژه‌ای به ایران داشت و در اثرش با نام *جغرافیای موسی خورنی* که در واقع ترجمه رساله *شهرستانهای ایران* به زبان ارمنی است و بر پایه *جغرافیای بطلمیوس* نوشته شده، به مسائل جغرافیای تاریخی ایران پرداخته و شهرهای ایران را -مطابق تقسیمات کشوری در دوره ساسانی- در چهار کوست (ناحیه) تقسیم کرده‌است. این چهار ناحیه همان چهار جهت اصلی جغرافیایی در فرهنگ ایران باستان هستند؛ هرچند نام *آباختر* (پاختر) -به معنی شمال- از آنجا که در باور کهن ایرانیان، جایگاه دیوان بوده، به نام جغرافیایی ناحیه یعنی کبکوه (= قاف‌کوه) یا همان قفقاز امروزی، بدل شده‌است.



1. Josef Markwart
2. Movses Xorenac'i
3. Ptolemy
4. Markwart, Josef; *Ērānšahr*, Berlin, 1901

(۵) درباره سالهای زیستن خورنی تردید وجود دارد و آن را تا سده هفتم میلادی نیز متأخر شمرده‌اند.

نام این چهار ناحیه عبارت است از:

- ۱) کوست خوربران یعنی ناحیه غرب شامل نُه استان.
- ۲) کوست نیمروج (نیمروز) یعنی ناحیه جنوب شامل نوزده استان.
- ۳) کوست خراسان یعنی ناحیه شرق شامل بیست و شش استان.
- ۴) کوست کبکوه که نواحی قفقاز و شامل سیزده استان است.

در بخش بعد، توصیف مارکوارت از موقعیت جغرافیایی و نام کنونی استانهای هر ناحیه را به اختصار می‌آوریم.

۱) کوست خوربران (خوروران)

- استان مای (ماه) = سرزمین ماد؛ نهاوند (ماه البصره) + دینور (ماه الکوفه)؛ ماهان، ماهات.
- استان ماسپتان (ماسبندان، ماه سبندان) = سیروان؛ به مرکزیت کیلون (نزدیک پل نهروان و خوزستان).
- استان مهرگان کتک (مهرگان کذک، مهرجان قذق) = اسقف نشین سوریه شرقی؛ نزدیک خوزستان.
- استان گشگر (کسگر، اسگر) = استان شادشاپور ساسانی، ناحیه‌ای از سواد (سورستان، آسورستان).
- استان گرمکان (بیث گرمی، باجرمی) = یکی از بخشهای موصل به مرکزیت کرخدی بیث سلوخ (کرکوک).
- استان ایران آسن (آسان) کرت کوات (کواد، قباد) = به زبان پهلوی [ساسانی] به معنی «قباد ایران را آرامش داد»؛ خابورکواد، موصل.
- استان نوهاترج (نوتاترج، بیث نوهاذره، نوجاتراج، نوهترا، بانهدرا) = بخشی از موصل؛ احتمالاً اربیل.
- استان شیرکان (شیزکان) = نورشیرک (شیرک نو) در نزدیکی اورمیه؛ احتمالاً دهخوارگان (دهخوارقان).
- استان ارزن (آرهن) = منطقه‌ای از استان آلزینیک به مرکزیت شهر ارزن واقع در میان شمشاط و میافارقین.

۲) کوست نیمروج (نیمروز، نمروز)

- استان پارس = سرزمین اصلی نیمروز شامل پنج ناحیه اصطخر، سابور (بیشاپور)، اردشیرخوره (خوره)، ارجان (ارگان) و پسا (فسا).
- استان خوزستان (بیث هوزایه، الاهواز) = شامل شهرهای بیث لاپاث (بیل‌آباد، گندی‌شاپور)، هرمز اردشیر، شوشتر و شوش.
- استان اسپهان = اصفهان بزرگ که قباد اول آن را به دو استان جی (نام قدیم شهر اصفهان) و تیمره تقسیم نمود، مرکز آن شهر پریئتکه (فریدن) و شامل ۲۶ رُستاق از جمله قم (گُمندان) و کرج (پایک) بود که بعدها مستقل شدند.
- استان کورمان (گُرمان) = سرزمین قدیم یوتیه + آسگرته + زرنک (زرنکه، زرنج) + هرهووتیش + مکه.
- استان توران (طوران، طواران) = مرکزش قُصدار (کلات امروزی) است.
- استان مکوران (مُکران) = از شرق پنجاب تا کرمان که سند و سرمن را نیز شامل بود.

۶) سواد، سورستان یا آسورستان یا همان سرزمین بابل که شهر تیسفون در آن قرار داشت و «قلب ایرانشهر» خوانده می‌شد.

استان اسپت (اسپیت، سپنج، سبیج، سبید) = شهر اسبید به معنی سپید سر راه نرماشیر (نوهرمزاردشیر) در کرمان به سوی زرنج (زرنگ).

استان وشت = خواش، خاش؛ در قسمت جنوبی کوه نوشادر.

استان سگستان (سجستان) = سرزمین سکاها؛ سیستان بزرگ.

استان زابلستان (ژاولستان، زابلستان، جابلستان) = قلمروی وسیع در شمال مکران و شرق سکستان.

استان میشون (میشان) = استان «شاذ بهمن» دوره ساسانی که بخشی از سواد بوده و روشن نیست چرا بجای خوربران در ناحیه نیمروز ذکر شده است.

استان هگر (بعدها هجر) = پایتخت بحرین.

استان پنیات رشیر (بنیاد اردشیر) = شهر «الخط» در ناحیه «قطیف» بحرین.

استان در (درین، دارین) = جزیره‌ای در بحرین؛ احتمالا «عوال».

استان میش‌مهیک (میش‌ماهیک، میش‌ماهی) = جزیره‌ای میان بحرین و عُمان.

استان مزون = نام پارسی عمان به مرکزیت «صُحار» (سُحار).

استان خوژه‌رستان (خوژیه‌رستان) = قلعه حاکم ناحیه «کرم»^۷ به نام «هفتان‌بوخت» (هفت‌پات، هفتواد)؛ الاران (لارستان).

استان اسپهل (اسپال، اسپتره) = که دقیقا روشن نیست کجاست؛ اما به نوشته خورنی، هندیان آن را تصرف کردند.

استان دیبهول (دیبول) = شهر الدیبل در نزدیکی بندر «لاهوری» که همچنین هندیان تصرف کردند.

۳) کوست خراسان

استان اهمدان^۸ (اهمتن، هگمتانه) = همدان بزرگ؛ در طول از دروازه «کرج» تا «سی‌سر» و در عرض از گردنه اسدآباد تا ساوه.

استان گُمش (گُمس، قومس) = سرزمین پارتها، پهلَو؛ به پایتختی دامغان (صددروازه).

استان ورکان (ورکانه، هیرکان، جرجان، گرگان) = گرگان بزرگ.

استان ابرشهر (آپراشخر) = نیشابور (نیوشاهپوهر؛ به معنی شاهپور زیبا)؛ سرزمین پارت علیا (در برابر گُمش که پارت سفلی است)؛ شامل شهرهای بسیار مهم و بزرگی چون طوس و طیس و نسا و ابرشهر (نیشابور).

استان مرو (مرغ، مرگ) = منطقه مرو.

استان مروت (مروالروذ، مرگروت، مروروت) = منطقه مروروت.

استان هرو (زهَر، هریو) = منطقه هرات.

استان کاتشان (کادش) = منطقه زوات‌غیس (بادغیس)؛ احتمالا از متعلقات نواحی «پوشنگ».

(۷) ریشه نام «کرمان».

(۸) این ناحیه را جغرافیدانان قدیم ایرانی و عرب به‌درستی جزو کبکوه (پاختر) دانسته‌اند و موسی خورنی در تقسیم‌بندی خود اشتباه کرده است.

استان نسای میانک (نسای میانه) = احتمالا ناحیه‌ای در «میمنه» (نسای میمنک) به مرکزیت «پاریاب»؛ درّه‌گز.

استان بژن (بژین، آبژین، افشین) = غرّجستان (غرشستان) در امتداد علیای رود مرغاب به مرکزیت «شار».

استان تالکان (طالخان، طالقان) = ناحیه‌ای در شرق مرورود و جنوب غربی شبورکان.

استان گوزکان (جوزجان) = شمال شش شهر امبار، آسان، چهاریک، کندرم، قُرْزُمان و شبورکان.

استان زمب (زم) = شهر زم (وزم) در کنار جیحون.

استان اندراپ = اندرآب در دامنه شمالی هندوکش.

استان وست = ناحیه خُوست (خُست، خواست، خاست).

استان هروم = احتمالا روب («روی» در قسمت علیای دره رود «خلم») که با سمنگان («هییک» در همان دره) یک حاکمیت داشته.

استان گچک (کزه، جزه) = همنام شهری در گوزکان؛ احتمالا در ناحیه درّه‌گز.

استان آسن (آسان، سان) = جایش نامشخص است و تاریخش با گچک درهم‌آمیخته.

استان بهلِ بامیک (بلخ بامی) = بوختر، باختران کوشان؛ ناحیه بلخ؛ مرکز کوشانیان.

استان پیروزنخجیر (فیروزنخشیر) = به معنی شکارگاه پیروز؛ میان «خلم» و «جزه» در جنوب بلخ.

استان دزین اوزک (دز آوازه) = دژی که در اطراف جیحون، حوالی ترمذ.

استان ورجان = احتمالا وروالیز (ولوالج)؛ فُندوز (فُندز، فُهندز).

استان مَنسن (مَنسان، مَرسان) = محل آن شناسایی نشده.

استان درمت = شهر معروف ترمذ (تَنمیت، نَنمیت، تَرمذ) در محدوده جیحون.

استان چَرمَنکان (چَرمَنکن، شَرمَنکان، صَرمَنجن) = در برابر ترمذ در قسمت شمالی جیحون.

استان شیر بامیکان (شیر بامیان، شار بامیان، بامیان) = طخارستان.

استان دزروئین (دزرویوان، شارستان روئین، مدینه الصفریه) = بیکنند؛ پایتخت قدیم بخارا.

۴) کوست کبکوه (کپکوه، کاف کوه، قاف کوه)

استان اتروپاتکان (اثرپاتکان) = آذربایجان بزرگ با دو مرکز گنجک (گنژک در تخت سلیمان امروزی) و آرتویل (اردبیل).

استان آرمن (هییک) = ارمنستان بزرگ.

استان ورجان (ورک، ورژن، ورغن) = گرجستان.

استان رَن (الوانک) = آرآن (شکل پارسی‌شده الوان ارمنی)؛ آلبانیا (جمهوری آذربایجان کنونی)؛ سرزمین بین گر و قفقاز شامل ولایات اِکسنی (اخنی) نزدیک ایبری کنار رودخانه آوان (آلبانوس)، کمپچان (کامبیچان) در کنار رود کُر، گوگاو کنار رود آوان، بیخ در نزدیکی قفقاز و شرق ایالت شکه (شگی) و دیگر (دیگارو) کنار رود دیگر و شرق پایتخت قدیمی کاولک (کاوالک).

استان بلسکان (بلاسکان، براسکان، بلاسجان) = دشتهای بلاسکان، در مسیر «ببرزند» در میانی‌ترین انشعابهای چشمه «بلغاروچای» در شمال اردبیل.

استان سیسکان (سیسگان) = نهمین استان بزرگ ارمنستان (با نام ارمنی سیونیک) در شرق آرارات.

استان آرّی (ری، رگه، رگا) = ری بزرگ از «دادودان» در «پیشخور» تا دروازه‌های کاسپیان.

استان گِلان (گیلان) = سرزمین ساحلی در قسمت سفلی سپیدرود و سرزمین کوهستانی دیلم.

استان دلمونک (دلوم) = سرزمین کوهستانی دیلم (دیلمان)؛ از غرب چالوس تا جنوب گیلان که منطقه طارم در ناحیه میانی مسیر سپیدرود را نیز در بر داشت.

استان دُمباوند (دیمباوند) = ناحیه اطراف کوه دماوند به مرکزیت شهر دماوند.

استان تَپرستان (تپورستان، طبرستان)^۹ = ناحیه مازندران به مرکزیت ساری و مشتمل بر هشت ناحیه ساری، آمل، نامیه، تمیشه، رویان (با شهر چالوس)، لاریز (لاریجان)، شیرز (شیرجان) و پدشخوارگر.

استان رَوَن (رَوین) = ناحیه رویان به مرکزیت چالوس که در سال ۹۸ ق ضمیمه طبرستان شد.

استان آمل = ناحیه آمل که بعداً ضمیمه طبرستان شد.

بخش دوم

جغرافیای ایران باستان از دیدگاه بطلمیوس

کلاودیوس بطلمیوس (۹۰-۱۶۸م) فیلسوف، اخترشناس و جغرافیدان یونان باستان و صاحب کتاب برجسته مجسطی، کتابی در زمینه جغرافیای ایران باستان نوشته موسی خورنی بدان دسترسی داشته و آن را به ارمنی ترجمه کرده‌است. یوزف مارکوارت این کتاب را در بخش دوم کتاب ارزشمند *ایران‌شهر* ترجمه و سپس تحشیه کرده و توضیحاتی بدان افزوده‌است.

بطلمیوس ایران باستان را به هشت منطقه تقسیم و درباره وضعیت، عوارض و متعلقات جغرافیایی هر یک توضیحاتی داده که با تحشیه و توضیح مارکوارت تکمیل شده‌است. در ادامه، مروری بر نام و گستره این هشت منطقه و تبیین موقعیت جغرافیایی کنونی آنان به کمک نوشته‌های مارکوارت خواهیم داشت.

ماد

شامل استانهای کاسب، کادوش، گلک و دیلموک؛ و شهرستانهای ری و اسپهان.

ایمایی (ایمایید)

خوزستان (ایلام، عیلام)؛ به یونانی «شوشانک» که از نام شوش (شوشان، سوزا) گرفته شده؛ گاه به عربی «بره» (بصره) خوانده شده؛ «کوست خوربرنک» در شرق دکل (دجله) و غرب پارس؛ دارای سه رودخانه، پنج استان (بیث حوازیه [بیث لاپات]، هرمز اردشیر، شوشترین، شوش و کرخه‌دلیمان [ایران خوره‌شاپورا]) و شهرهایی چون آرمشیر، سولوره، شوش، دانیال و گندی‌شاپور. سرزمینی است حاصلخیز و روبرویش در خلیج فارس، دو جزیره.

۹) نام شَنجان نیز در کتاب جغرافیای موسی خورنی آمده که تغییرشکل یافته و بخشی از استانهای ساحلی آمل، رویان و طبرستان است.

پارس

در شرق خوزستان و مجاورت ماد؛ شهرهای استخر (استه)، پَرسَه و کوَبَر، جزایر «اسکندریه» و «سپت» و رود «ریشیر پهرسن» در آن واقع شده‌است.

آریک

در شرق ماد و پارس، تا هند مقابل ورکان و ناحیه اسکیتها؛ «کوست خراسانک» شامل استانهای کمش، ورکان، ابرشهر، مرو، مروت، کدشان، گزکان، دزروئین تا دو رود به‌نامهای آرتنگ و وهروت (وهروود) و طخارستان (شهر بادغیس).

دریای هیرکان

سواحل جنوبی دریای هیرکان (کاسپیان)؛ شامل دیلمونک (دیلمان) و کادوسییه، جزایر دودیسک و سلکه و رودهای آمداس (آماردوس)، گروس (گُر) و کامبیس.

اسکیتها (اسکیثیه)

ناحیه‌ای در شمال از رود «اتل» تا کوههای «امفن» شامل دو بخش شمالی (آپاخترک) «ترگستانک» و غربی که به سرزمین «سارامتها» در کنار دریای «ورکان»، کناره رود اتل و کوههای امودا و در شرق به قلمرو «چنگ»ها محدود و محل سکونت ۴۳ قوم از جمله اقوام «گالاکتوفاگ»، «هریباچیک» (هراتی)، «ماساگت»، بلخ، سغدی، تخاری، هپتالی، آلخن و والخن است.

بین‌النهرین

سرزمینی در بخش شرقی سوریه، مقابل ارمنستان و محدود به بابل در شمال و صحرای عربستان در جنوب. دارای دو کوه «سیگروس» و «ماسیوس» (احتمالا شنگر و بلندکوه) که دو رود «کبران» (احتمالا «خبر») و «ترتر» که از آنها سرچشمه می‌گیرند و به فرات می‌ریزند و کوه کوچک «آمد». «اروستان» (آسورستان، «موصل») در بخش شرقی بین‌النهرین است و شامل شهر «أرها»، رود دجله و شهر نینوا نزدیک آن.

بابل

همسایه بین‌النهرین، کنار دجله تا دریای پارس و محدود به خوزستان در شرق و رود فرات و بخشی از صحرای عربستان در شمال و غرب؛ شامل چهار استان «اکله»، «پسره» (بصره)، «تیسین» (مدائن) و «بابل» و دو استان «کوات» و «کشکر» که پارسیان ساختند؛ و نهرهای «سُر»، «سُریت»، «عقبه» و کوتایش» (احتمالا «آرمکالس»).

مآخذ

مارکوارت، یوزف؛ *ایران‌شهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی*، (بخش نخست کتاب *ایران‌شهر*) ترجمه مریم امیراحمدی، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۳.

مارکوارت، یوزف؛ *ایران‌شهر در جغرافیای بطلمیوس*، (بخش دوم کتاب *ایران‌شهر*) ترجمه مریم امیراحمدی، تهران: انتشارات طهوری، ۱۳۸۲.